الف لیلة و لیلة

یکی از کتب بسیار دلکش قرون وسطی که نقل مجالس و مایهء تفریح و مطمح هوس محافل بوده و در اغلب ممالک مشرق زمین از هند تا مراکش بشوق و رغبت خوانده میشود کتاب معروف الف لیله است. این کتاب باغلب زبانهای دنیا ترجمه شده و بعضی حکایات آن در اروپا نیز بین عامّه معروف است و گاهی موضوع مثل برای مطالب بی‏اساس و افسانه‏ است.این کتاب عربی که ظاهرا از قرن چهارم باینطرف در تمام عالم‏ اسلامی شیوع داشته و ترجمهء فارسی آن نیز باهتمام میرزا عبد الّلطیف‏ طسوجی‏1تبریزی در عهد سلطنت محمّد شاه و حکومت بهمن میرزا در تبریز پرداخته شده و در سنه 1272 بطبع رسیده منشأ قدیم و اصل کریم‏ دارد و تحقیق اصل اوّلی و نشو و نمای آن بمرور زمان و تکامل یافتن‏ و شاخ و برگ پیدا کردن این قصص و رسیدن آنها بشکل حالیّه کار سهل‏ نبوده است.در این مقاله میخواهیم شمّه‏ای از تحقیقات فحول علما و محقّقین را که در این باب تحقیقات وافی نموده‏اند درج کنیم‏2:

اوّل کسی از محقّقین علما که در تدقیق اصل و ماهیّت این قصّه‏ بطریق علمی تتبّع و تحقیق نموده استاد بزرگ و مستشرق علاّمهء معروف‏ قرن گذشته سیلوستر دو ساسی‏3بود که پدر فقه اللّغهء جدید زبان‏ عربی و مؤسّس این شعبه علم بود.مشار الیه در یک مقالهء علمی و در دو رسالهء جداگانه در این باب تحقیقات زیادی کرده و بقدر مقدور آن‏ زمان بروشن کردن اصل این قصّه همّت گماشت.مشار الیه ابتدا نسبت‏ الف لیله را بیک مؤلّف ردّ کرده و ثابت نمود که این قصّه بتدریج نشو و نما یافته لکن بدبختانه در اصل و منشأ حقیقی قدیمی قصّه علاّمهء مزبور بواسطهء عدم ترقّی کافی در اطّلاعات راجعه باین امور در آن زمان راه‏ خطا پیموده و معتقد بر آن شد که تمام قصّه در اعصار اخیره تولّد یافته‏ وابدا چیزی از منشأ هندی یا ایرانی در آن نیست و آنچه در بعضی‏ کتب قدیمه در این باب آمده است جعلی است.حتّی علاّمهء مشارالیه‏ با وجود اطّلاع بر آنچه مسعودی در مروج الذّهب در این باب صریحا ذکر کرده باز در صحّت آن تردید کرده است.مستشرق معروف دیگر هامر پور گستال‏4اتریشی که معاصر ساسی بود بالعکس صحّت قول مسعودی را تصدیق نموده و هندی و ایرانی بودن بعضی اجزای آن کتاب را قبول کرد. ویلیام لین‏5عالم انگلیسی در اواسط قرن گذشته در ضمن ترجمهء قسمتی‏ از الف لیله بانگلیسی سعی کرد که ثابت کند این کتاب کار یک مؤلّف‏ است و در بین سنه 880 و 931 تألیف شده یعنی قریب چهارصد سال پیش.بعدها علاّمهء شهیر دخویه‏6و موللّر7در این باب تحقیقاتی‏ نمودند و اوّلی بدلایلی که شرحش طولانی است این قصّه را با فصل استر از تورات مربوط دانسته و دوّمی این کتاب را مرکّب از چند قسمت‏ دانسته که قسمتی از آن در بغداد بوجود آمده و قسمتی دیگر بعدها در مصر و هکذا.بالأخره استاد بزرگ نولد که در همین فقرهء اقسام واجزاء مختلفهء کتاب مزبور تدقیقات مبسوطی نموده و بطور تقریب تاریخ پیدا شدن‏ هر قسمت را تعیین نموده است.

کسیکه در دنبالهء این تتبّعات تحقیق بسیار کامل و وافی در این‏ موضوع یعنی منشأ اصلی الف لیله نموده و باستقصای تامّ تتبّع و حلّ این‏ مسئله را بپایان رسانیده و تحقیقات گذشته را ختم کرده استاد اوستروپ1 دانمارکی است.مشار الیه دنبالهء این تحقیقات را گرفته و استقراء وافی‏ در مصادر اصلی اجزاء مختلفهء این کتاب(یعنی الف لیله)نموده و سالها در تحقیقات راجعه باین فقره کوشیده و حتّی برای مزید بصیرت و مشاهدهء محلّ ظهور قسمتی از این قصص تا بغداد نیز رفته و بالأخره در سنهء 1309 کتابی در باب الف لیله بزبان دانمارکی نگاشته است که جامع تحقیقات کامله‏ در این باب است.این کتاب بزبان روسی ترجمه شده و مترجم فاضل‏2 باز بعضی تحقیقات مفیده علاوه کرده و همچنین یک عالم آلمانی‏3و یک‏ عالم فرانسوی‏4تحقیقات زیادی در تکمیل اجتهادات علمای سابق الذّکر نمودند.

خود استاد اوستروپ بعدها یعنی در حدود سنه 1327 پس‏ از دقّت و غور در تحقیقات جدیده فصلی در این باب در دائرة المعارف‏ اسلامی نوشته که در آن خلاصه و نتایج تحقیقات را تا آنوقت بطور ملخّص‏ درج نموده است.خلاصهء آن خلاصه از این قرار است:

مندرجات کتاب الف لیلهء حالیّه از منشأهای مختلف ناشی شده‏ و کار یک یا دو مؤلّف نیست و ممکن است آنها را چنانکه امروز در دست‏ است مرکّب از پنجگونه اجزاء و موّاد مختلف دانست.یکی از آن موّاد که قدیمیترین آنها است بلاشکّ کتاب«هزار افسانهء»پهلوی است که‏ در حدود قرن سوّم بعر ترجمه شده است و اصل آن نیز اغلب از منشأ هندی بوده.مسعودی متوّفی در سنه 346 در مروج الذّهب گوید«و از قبیل همین افسانها است کتبی که بما بواسطهء ترجمه از اصل فارسی و هندی‏ یا یونانی رسیده مانند کتاب«هزار افسانه»که بمعنی الف خرافه است‏ چه افسانه در فارسی بمعنی خرافه است در عربی و در میان عامّه بالف لیله‏ معروف است و آن داستان پادشاه است با دخترش و دایهء او شیرآزاد و دین‏آزاد».محمّد بن اسحق الورّاق معروق بابن النّدیم نیز در کتاب‏ الفهرست که در سنه 377 تألیف کرده گوید«اوّلین کتابی که ایرانیان‏ در اسمار و خرافات یعنی قصص پرداختند کتاب هزار افسان بود و معنی‏ بعربی الف خرافه است...این‏ کتاب مشتمل بر هزار شب و قریب دویست قصّه است چه بسا یک قصّه‏ چندین شب طول میکشید و من آن کتابرا تمام و کمال چندین بار دیده‏ام»

بواسطهء مقایسهء قصص الف لیله با قصّه‏های قدیمی کتب ایرانی‏ و هندی و پیدا کردن نظایر بعضی از آن قصص در آن مآخذ قدیمه که قطعا بحسب تاریخ تألیف از نسخهء عربی الف لیله قدیمیترند و حتّی اقدم بر ظهور اسلام هم هستند بعضی از اجزاء هندی و ایرانی این کتاب شناخته‏ میشود مثلا در قسمتی از این قصص اسم شاه زمان و شهریار میآید و این‏ نامها ایرانی هستند.قصّه دو شاهزادهء برادر و بیوفائی زنهای آنان و باعث‏ شدن آن بمسافرت شاهزادگان شباهت تامّی بقصّهء هندی«کائا ساریت‏ ساگارا»دارد که کاملا متشابه هستند.همچنین سه قصّهء کوچک سوداگران‏ که بزبان حیوانات ساخته شده باز شبیه بعضی قصص هندی است که‏ اصلشان هنوز موجود است.مخصوصا حاشیه رفتن از وسط یک حکایت‏ و درج یک حکایت دیگر در ضمن آن(بطریق اشاره و تلمیح بدان حکایت و پرسیدن مخاطب که چگونه بوده است آن حکایت)که در این نوع حکایات‏ دیده میشود مخصوصا سبک هندی است و در افسانهای هندی مهابهارتا و پنچاتنترا و تالاپنچا و یمساتی و غیره دیده میشود.همچنین سبب عمدهء سروده شدن قصّه‏های الف لیله که بقصد تمدید وقت و مهلت و از امروز بفردا انداختن خطر است نیز در داستان«هفت وزیر»که اصلا هندی‏ است دیده میشود.

استاد اوستروپ خیلی از حکایات الف لیله را با حکایات هندی‏ یگان یگان مقایسه و شباهت آنها را تدقیق کرده است و از آنجمله در حکایت‏ تاجر و جنّ،قصّهء صیّاد و جنّ،حکایت حمّال،حکایت گوژپشت‏ و قصّهء سه درویش گدا و سه زن اثر زیادی از سلیقهء هندی یافته است. علاوه بر اینها حکایاتی که بودن آنها از اصل هندی و ایرانی قطعی است‏ از این قرار است:قصّهء اسب جادو(که اسم شاپور و نوروز و مهرجان در آن آمده)و حکایت‏های حسن بصری و سیف الملوک و قمر الزّمان با شاهزاده‏ خانم بدور و شاهزاده بدر و شاهزاده خانم جوهر سمندلی و اردشیر و حیوة النّفوس. مایهء اصلی کتاب هزار افسانه در میان عربها تغییراتی یافته و چندین طبقهء جدید از انساج تازه روی زمینه و متن اصلی بافته شده است. طبقهء اوّلی که روی متن نسج اصلی هندی و ایرانی آمده در بغداد تکوّن‏ یافته و بیشتر دور اسم هرون الرّشید میگردد.بعضی از اینها افسانهء محض و جعلی است و برخی دیگر در اصل حکایت تاریخی دیگری بوده‏اند که بقالب جدید ریخته شده‏اند مثلا مانند حکایت ابو الحسن پرخواب‏ که در کتب دیگر تاریخی آمده:این طبقهء دوّم که آنرا قسمت‏ بغدادی الف لیله توان خواند باز بواسطهء تحقیق مندرجات حکایات‏ تشخیص داده میشود و نباید تصوّر شود که آنچه اسم هرون الرّشید در آن آمده از قسمت بغدادی است زیرا که اسم این خلیفه از قرون اولای‏ اسلام شعار عهد مبارک و دورهء خوشی قدیم بوده و در افسانها در هر موقع پیش میآید.یکی از علائم شناختن طبقات مختلفه مداخلهء جنّ‏ و عفریت است در جریان حکایت.در طبقهء بغدادی غالبا این عامل در کار نیست و روش کار طبیعی و متعارفی است نه بطریق خارق عادت در صورتیکه‏ در طبقهء هندی و ایرانی و همچنین طبقهء مصری از این حکایات جنّ و عفریت‏ کار زیاد دارند ولی باین فرق که در مایهء اصلی هند و ایرانی این ارواح‏ مجرّد مستقلّ هستند ولی در مایهء مصری که در قرون اخیره داخل الف‏ لیله شده همه جا جنّ با یک طلسمی اداره میشود و فقط دارندهء آن طلسم‏ چرخ کار را میگرداند و اعمال جنّ و عفریت را اداره میکند نه خود جنّ‏ ونیز مخصوصا جنّ و عفریت خیلی زیادتر پیش میآید و اغلب کارها بتوسّط آنها صورت داده میشود.

این مایهء مصری کتاب که آنرا طبقهء سوّم موادّ الف لیله میشماریم‏ و تازه‏تر از سایر موادّ سابق الذّکر است علائم مخصوص دیگری هم دارند و مخصوصا پر از داستان عیّاران و الواط و اوباش است.این حکایات‏ درست خواصّ افسانهای مصری را دارند و از سرمشق قصّهء معروف گنج‏ پادشاه مصر رامپسینیت‏1که هردوت آن افسانه را ضبط کرده اقتباس‏ و تقلید شده‏اند مانند آن حکایت الف لیله که مقدّم هشتم بسلطان‏ بیبرس نقل میکند.

یک قسمت دیگر که تازه‏ترین اجزاء و طبقات کتاب است از مایه و مادّهء جدیدی میآید که برحسب تحقیقات یکی از علما از طرف یک‏ یهودی مصری در قرون اخیره بر آن اضافه و ادخال شده است و در واقع اگرچه آنها را نیز جزو طبقهء سوّم و از اصل مصری توان شمرد لکن هم تازه‏ترند و هم دارای حکایات خارق العادهء بیمزه وخشن میباشند.

بالاخره یک قسمت بزرگی از حکایات است که از هیچ‏یک از طبقات مزبوره نبوده و عبارت است از یک سلسله حکایات متسلسله که بزرگترین‏ این نوع حکایات هستند و اغلب هرکدام از آنها در یک نسخه از کتاب هست و در دیگری نیست یعنی در تمام نسخ موجوده نیستند.باغلب‏ احتمال این قصّه‏ها را محض تکمیل عدد هزار و یک حکایت برای‏ هزار و یک شب(که در واقع در اصل هیچ‏وقت اینقدر زیاد نبوده‏اند و تنها این اسم را داشته‏اند)بعدها داخل کتاب کرده‏اند.از این قبیل است‏ حکایت هفت وزیر(و همچنین ده وزیر و چهل وزیر که از روی آن ساخته‏ شده‏اند)که اصلا قصّهء هندی مستقلّی بوده‏اند و ربطی باین کتاب نداشته‏اند و قصّهء کلعاد و شیماس.اصل قصّهء سندباد بحری مشکوک است چه اگرچه‏ ظاهرا چنان بنظر میآید که از عهد شکوه و رونق بغداد و بصره است لکن‏ خیلی محتمل است که در اصل یک کتاب جداگانه بوده است.قصّهء بزرگ عمر بن نعمان و پسران او نیز در اصل از الف لیله نبوده است و همچنین قصّهء سول و شمول.قصّهء تودّد عاقل(که بعدها در اسپانی کتاب‏ بسیار مرغوبی بین عامّه شد)و قصّهء هیکر عاقل از منشأ یهودی هستند.

آمدیم سر این مسئله که تحریر و تدوین این کتاب که حالا در دست است یعنی تألیف نسخهء معروف در چه زمان بعمل آمده است. جواب این سؤال بعقیدهء علمای محقّق آنست که این کار در عهد ممالیک‏ آخری در مصر و مخصوصا در شهر قاهره انجام گرفته و در یک زبان عوامانه‏ تحریر شده که شباهت بلغت دارجهء مصری دارد ولی معهذا آثار بعضی‏ قطعات فصیح که لا بدّ از اصل قدیم است هنوز در طیّ آن نمایان است. نسخه‏های مختلف الف لیله که در دست است نیز در این باب باهم فرق دارند. یکی از محقّقین علما سعی کرده که بطور تحقیق مصنّف حکایات مصری قسم‏ دوّم را معیّن کند و بعقیدهء وی این شخص یک یهودی جدید الأسلام‏ بوده است.ولی باید دانست که مصنّفین این کتاب در ادوار مختلفه که‏ آنرا بقالب تازه ریخته‏اند و نقّالانی که پیشهء آنها افسانه‏گوئی بوده آنقدر (1) Rhampsinit که در واقع همان رامسس معروف است.

تغییرات در آن داده و این مجموعهء حکایات در دست آنان اینقدر شکلهای‏ مختلف پیدا کرده که مصنّف معیّنی در یک دوره برای آن نمیتوان نشان داد.

شکّی نیست در اینکه اسم قدیم هزار افسانه در فارسی و الف خرافه‏ در عربی فقط دلالت بر کثرت افسانه داشته نه آنکه مقصود از آن اسم‏ واقعا عدد کامل هزار بوده لکن بعدها که این مجموعه باسم الف لیله و یا الف لیلة و لیلة نامیده شد نقّالان و مصنّفین گمان کرده‏اند که حقیقة بایستی هزار و یک افسانه در آن بوده باشد و کم و کسر آنرا با افسانهای‏ دیگر پر کرده‏اند و خصوصا که بواسطهء اشتهار این افسانه طبعا خیلی‏ افسانهای دیگر را نیز که یا قصّه‏های متفرّقهء غیر معروف بوده‏اند و یا در نسخه‏های مختلف همین کتاب داخل شده بوده‏اند در زیر همین عنوان آورده‏ و بآن داستان مرغوب بین العامّه چسبانیده‏اند.

اشعار عربی که در ضمن کتاب آمده بعضی از آنها منسوب بابو نواس‏ و ابن المعتزّ و اسحق موصلی است ولی اغلب اشعار دیگر بدون ذکر قائل‏ بعنوان و«قال الشّاعر»ذکر شده.ظاهرا اغلب اشعار وارده در الف‏ لیله از زمانهای متأخّر است و قدیمی نیستند. نسخه‏های موجودهء کتاب الف لیله چنانکه بروکلمن‏1و کریمسکی‏2 و شوون‏3بتفصیل تحقیق کرده‏اند بر سه طبقه منقسم میشوند یکی نسخه‏های‏ آسیائی و دو دیگر که تازه‏ترند مصری.طبقهء اوّل فقط باستثنای یک‏ نسخه‏4همه ناقص هستند و از وسط و آخر افتاده دارند در صورتیکه‏ نسخه‏های طبقهء اوّل خیلی کمتر باهم اختلاف دارند.

الف لیله بخیلی از زبانهای فرنگی ترجمه شده و بهترین چاپ‏ عربی آن هنوز هم همان طبع بولاق است که در سنه 1251 بچاپ‏ رسیده است.

این بود خلاصهء مختصری از تحقیقات علاّمه اوستروپ ولی باید دانست که این شرح مجمل فقط برای اطّلاع اجمالی عامّه است ورنه‏ طالبین تحقیقات مفصّل را لازم است بکتاب خود استاد مشار الیه و رسائل‏ و مقالات نولدکه،شوون،بروکلمن،زیبولد،کریمسکی،موللّر،دوساسی. دوخویه؛هامر پورگستال؛ویلیام لین رجوع نمایند.

اگرچه این کتاب فعلا یک تدوین و تألیف مصری است ولی‏ چون میدانیم که در آن یک مغز و هستهء قدیمی از اصل ایرانی بوده‏ است لهذا جا دارد که نظر توجّه ادبای ایران بدان معطوف شود.یک‏ نکتهء دیگر هم بیفایده نیست علاوه شود و آن اینست که در دیباچهء قدیم‏ شاهنامهء فردوسی اشاره بیک شاعر فارسی زبانی است که این قصّه را بنظم آورده بوده است و عین عبارت دیباچه که در ضمن مدح سلطان‏ محمود و میل او بتواریخ ذکر شده از اینقرار است.«...و شاعری‏ که هزار افسانه تصنیف اوست خدمت وی میکردی...».اگر این فقره صحیح باشد پس معلوم میشود این افسانها در قرون اولای‏ اسلام و حتّی در اوایل قرن چهارم نظما(یا نثرا)بفارسی آورده شده‏ بوده است.

(1) Broklman

(2) Krimski

(3) Chauvin

(4)تنها نسخهء کامل که ظاهرا اصلا از بغداد است فعلا در پاریس است.

هدیّهء اصحاب‏ سعدی نظامی عروضی

در سنهء 1919 مسیحی مطابق با سنهء 1337 مقارن همان‏ اوقاتی که در قصر ورسای‏1در نزدیکی پاریس دولی که از جنگ خانمانسوز پنج ساله مظفّر بیرون آمده بودند شرایط صلح را در 440 مادّه بشکل‏ کتاب جسیمی در مقابل نمایندگان دول مغلوب مینهادند کتاب دیگری‏ تقریبا بهمان حجم در پاریس منتشر میگردید باسم«تحقیقاتی دربارهء سعدی شاعر»2.این مسئله دلیلی است بر آنکه فکر و معنی هم مانند آفتاب‏ عالمتاب در همان حینی هم که در پس حجاب ابرهای تیره و تار مستور است‏ باز در سیر و ترقّی بوده و پیوسته در حال نموّ و اوج میباشد و حقیقة هم اگر جز این بود و پنجهء قهر وحشیانهء عوالم مادّی میتوانست شاخهء معرفت‏ و ذوق را یکباره از بیخ و بن برافکند آنانی که دلباختهء ترقّی و سعادت‏ نوع بشر هستند بکلّی ناامید گردیده و جز قبول و توسّل بطریقهء«نهلیسم» که دنیا و ما فیها را نیست و نابود میخواهد چاره‏ای نداشتند.هانری ماسه‏3 نام فرانسوی که دور از اروپا در گوشه‏ای از افریقا در یکی از مدارس‏ الجزیره سمت معلّمی دارد معلوم میشود و در همان وقتیکه شرارت دسته‏ای‏ از اولاد بشر دنیا را عرصهء آتش و خون نموده و از منجنیق فلک سنگ‏ فتنه میبارید در هر کجا بوده چه در سنگر میدانهای جنگ و چه در جای دیگر در فکر و کار جمع‏آوری کتابی در خصوص سعدی بوده و در آن ایّام وانفساه با خیال شاعر شیراز که قریب ششصد و پنجاه سال قبل‏ زندگانی را بدرود گفته خاطر خود را خوش میداشته است.

کتاب مذکور شاهکار تامّ و تمامی است که آثار تتبّع و کاوش بسیار در هر صفحه‏ای از 347 صفحهء آن هویدا و آشکار است و اگرچه فاضل‏ مشار الیه در اخطارنامه‏ای که در اوّل کتاب خود نوشته و با کمال فروتنی‏ مینویسد«مقصود از این مختصر از یک طرف پیدا کردن و یا اقلاّ تجسّس‏ جهات و اسبابی است که سعدی و ادبیّات فارسی را مطبوع طبع عامّه نموده است- اگرچه امروز از قدر و قیمت ادبیّات فارسی اندکی در فرانسه کاسته است-و از طرف دیگر مقصود این است سعی نمائیم از این شاعر مشهور که‏ بهمان درجه‏ای که شهرت دارد بهمان اندازه هم معرفت ما در حقّ او ناقص است یک ترجمهء حالی بنویسیم که تا حدّی ما را با عهد و زمان‏ او آشنا ساخته و کیفیّت صنعت او را بما بنمایاند»ولی باوجوداین‏ اظهارات و فروتنی مؤلّف مشار الیه با کمال جرئت میتوان گفت که تا کنون دربارهء سعدی چنین کتاب مجموع و مفیدی نوشته نشده است.

کتاب مزبور مشتمل بر چهار باب عمده و هر بابی دارای فصول‏ متعدّد است.

باب اوّل در خصوص شخص سعدی و حیات او است و دارای‏ دو فصل است که فصل اوّل در باب طفولیّت و جوانی و سیاحتها و (1) Verailles

(2) Essai sur le Poete SaadiṣParisṣ1919 این کتاب بزبان فرانسوی است.

(3) Henri Masse